

آتیچه بر کارگران ایران در سال ۱۴۰۳ گذشت

داوطلب



- ۱-----صدای «خیابان» خاموش نشد
- ۲-----مروری بر مهم‌ترین کنش‌ها و وقایع کارگری سال ۱۴۰۳
- ۵-----مروری بر مهم‌ترین چالش‌های فراروی کارگران ایران
- ۸-----تحلیل چالش‌ها و فرصت‌های موجود
- ۱۰-----جمع‌بندی و توصیه‌هایی برای تقویت صدای کارگران

آنچه بر کارگران ایران در سال ۱۴۰۳ گذشت





صدای «خیابان» خاموش نشد

سال ۱۴۰۳ برای جامعه کارگری ایران، سالی پر از تحولات و چالش‌های مهم اقتصادی و اجتماعی بود. در این سال، نوسانات شدید نرخ ارز و تورم، وضعیت معیشتی کارگران را با مشکلات فزاینده‌ای روبرو کرد.

به طوری که نرخ دلار از حدود ۴۳ هزار تومان در ابتدای سال به ۱۰۰ هزار تومان در پایان سال رسید و فشار زیادی بر هزینه‌های زندگی مردم و به ویژه کارگران وارد آورد. این نوسانات علاوه بر مشکلات اقتصادی، بر سطح اعتماد عمومی تاثیر منفی گذاشت و بر نگرانی‌های معیشتی جامعه افزود.

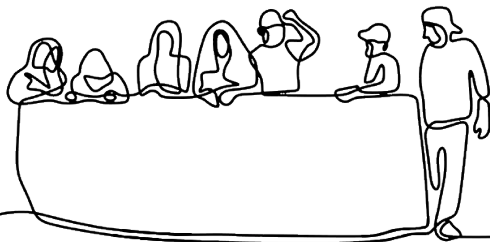
در حوزه حقوق و دستمزد نیز سال ۱۴۰۳ برای کارگران ایران با چالش‌های بزرگی همراه بود. در ابتدای سال، شورای عالی کار تصمیم به تعیین حداقل دستمزد گرفت که با اعتراضاتی از سوی نمایندگان کارگری مواجه شد. حداقل دستمزد تعیین شده برای سال ۱۴۰۳ حدود ۷,۰۰۰,۰۰۰ تومان بود که به هیچ وجه پاسخگوی نیازهای اولیه کارگران و خانواده‌هایشان نبود. از سوی دیگر، تصویب این دستمزد بدون امضای نمایندگان کارگری و با اعمال فشارهایی از سوی کارفرمایان و دولت، نشان‌دهنده توجه ناکافی به مطالبات واقعی کارگران بود.

در همین حال، داده‌های مرکز آمار نشان می‌دهد که نرخ تورم ماهانه از فروردین تا انتهای خرداد بالای ۲.۵ درصد بود و حتی تا ۲.۸ درصد نیز افزایش یافت اما در میانه تابستان آرام گرفت و تا ۱.۷ درصد در شهریور پایین آمد. بر این اساس، کمترین نرخ تورم ماهانه در سال ۱۴۰۳ در شهریور به ثبت رسید. با این حال، این نرخ در نیمه دوم سال و هم زمان با جهش‌های نرخ ارز رو به افزایش گذاشت. طبق آخرین آماري که از سال ۱۴۰۳ منتشر شده این وضعیت تا جایی ادامه یافته که این نرخ در بهمن ماه به سکوی ۴.۱ درصد رسید.

این تورم بالا، قدرت خرید مردم را به شدت کاهش داد و زندگی بسیاری از خانواده‌ها را به مرز بحران کشاند. در این شرایط، معیشت کارگران تحت فشار شدیدی قرار گرفت و بسیاری از آن‌ها در تأمین نیازهای روزمره خود با مشکل مواجه شدند.

در مجموع می‌توان گفت که سال ۱۴۰۳ برای کارگران ایران سالی پرچالش بود که با وجود تورم بالا، نوسانات ارزی و عدم توجه به خواسته‌های آنان، شرایط زندگی بسیاری از آنان را در وضعیت بحرانی قرار داد. در این میان مروری بر مجموع کنش‌ها و وقایع کارگری سال از اعتراضات صنفی تا حوادث به وجود آمده در برخی محیط‌های کار نشان دهنده گستردگی سطح بحران کارگری در بخش‌های مختلف اقتصاد ایران است.





مروری بر مهم‌ترین کنش‌ها و وقایع کارگری سال ۱۴۰۳

این گزارش با تمرکز بر مهم‌ترین کنش‌ها و وقایع کارگری سال ۱۴۰۳، تحلیلی جامع از وضعیت کارگران ایرانی در یک سال گذشته ارائه می‌دهد.

اطلاعات جمع‌آوری شده از گزارش‌های ماهانه «داوطلب» حاکی از آن است که ترکیبی از سوء مدیریت دولت، سازوکارهای مبتنی بر رانت و وابستگی‌های حکومتی و تحریم‌های بین‌المللی، اقتصاد ایران را در رکود عمیقی فرو برد که تا پایان سال ادامه یافت. این رکود اقتصادی با افزایش نرخ تورم و افزایش ناچیز رقم حداقل دستمزد در آغاز سال بر سرعت گسترش بحران در بسیاری از بخش‌های اقتصادی افزود. در نتیجه، طبقه کارگر همراه با بسیاری از خانواده‌های طبقه متوسط، برای تامین مایحتاج اولیه مانند غذا، دارو و سرپناه با مشکلات بسیاری روبرو شدند.

تغییر ناگهانی قدرت در راس قوای اجرایی کشور نیز لحظه مهمی در چشم‌انداز سیاسی ایران در یک سال گذشته بود. در آغاز سال ۱۴۰۳، در حالی که به نظر می‌رسید که جناح تندرو قدرت خود را حفظ خواهد کرد، سقوط غیرمنتظره هلیکوپتر حامل ابراهیم رئیسی، رئیس دولت سیزدهم و مرگ او، به یک تغییر سیاسی منجر شد و سرانجام با برگزاری یک انتخابات زودهنگام، مسعود پزشکیان، نامزدی که دارای دیدگاه‌های اصلاح‌طلبانه بود، بر مسند ریاست جمهوری چهاردهم نشست. موضع نسبتاً متفاوت او در مورد مسائل اقتصادی و سیاسی، با وجود بدبینی گسترده، امیدهایی را برای تغییر در میان برخی از گروه‌های اجتماعی ایجاد کرد. پزشکیان در جریان تبلیغات انتخاباتی خود گفت: تورم یعنی خالی کردن جیب مردم. او نه تنها اقداماتی را برای مبارزه با تورم پیشنهاد کرد، بلکه هشدار داد که تداوم بی‌عدالتی در تعیین حداقل دستمزدها باعث تشدید شکاف بین کارفرمایان و کارگران خواهد شد. وی تعهد خود را به همسانی دستمزدها با تورم اعلام کرد و گفت که حقوق معوق بخش بهداشت و درمان باید پرداخت شود. پزشکیان با انتقاد از سرکوب کردن معترضان و محدودیت‌های آنلاین گفت: «چه نیازی به فیلتر کردن اینترنت است؟ باید آن را آزاد کنیم».

با وجود جهت‌گیری‌های متفاوت و گاه مداراچویانه دولت، دوره تصدی پزشکیان شاهد اعتصابات و اعتراضات کارگری متعددی هم بود. از جمله مهم‌ترین آن‌ها اعتراضات و اعتصابات پرستاران، کارگران صنایع نفت و گاز و هزاران مستمری‌بگیری که خواستار شرایط بهتر بودند و اعتراضات آن‌ها همچنان نیز ادامه دارد.



اطلاعات جمع‌آوری شده توسط «داوطلب» از مجموع وقایع کارگری سال گرچه به دلیل چالش‌برانگیز بودن جمع‌آوری اطلاعات در رژیم‌های اقتدارگرا به طور جامع تمام اقدامات و تحولات مربوط به نیروی کار ایرانی را پوشش نمی‌دهد، تصویری قابل استناد از پراکندگی و گستردگی کانون‌های بحران کارگری در ایران ارائه می‌کند. بر این اساس، توجه مخاطبان ارجمند را به مهم‌ترین یافته‌های گزارش‌های ماهانه داوطلب در سال ۱۴۰۳ جلب می‌کنیم:

| در فاصله فروردین تا اسفند ۱۴۰۳، حدود ۱۱۰۰ اعتراض کارگری در بیش از ۳۰ شهر ایران ثبت شده است.

| بیشترین شمار اعتراضات کارگری با برگزاری بیش از ۳۱۵ تجمع و اعتصاب در تابستان ۱۴۰۳ به ثبت رسیده است.

| مراکز کلیدی بحران کارگری در ایران عبارتند از: پرستاران، بازنشستگان تامین اجتماعی، بازنشستگان فرهنگی، بازنشستگان فولاد، بازنشستگان مخابرات، کارگران صنایع نفت، گاز و پتروشیمی، معلمان منتظر تبدیل وضعیت استخدامی و کارکنان خدماتی مدارس، کارگران بومی بیکار یا اخراج شده، کارگران قراردادی و شرکتی، کارگران راه آهن و زیرساخت، کارگران خدمات شهری و کارگران صنعتی

| پس از بازنشستگان، بیشترین تعداد اعتراضات را پرستاران و کارگران قراردادی در بخش‌های نفت، گاز و پتروشیمی به خود اختصاص دادند.

| بیشترین اعتراضات کارگری در غرب ایران ثبت شد. در این منطقه گوناگونی و تمرکز بیشتری از مراکز صنعتی و فضاهای کاری به نسبت شرق وجود دارد.

| گسترده‌ترین اعتراض و اعتصاب کارگری صنایع در ایران در سال ۱۴۰۳ را کارگران شرکت واگن‌پارس سامان دادند. بیش از ۱۱۰۰ کارگر واگن پارس اراک در میانه تابستان، خواستار افزایش دستمزد، بهبود شرایط کار و برکناری مدیر عامل این شرکت بودند.

| یکی از مهم‌ترین دلایل اعتراضات را می‌توان تورم بالا و همخوانی نداشتن آن با افزایش دستمزدها و مستمری‌ها دانست. این فشار اقتصادی به طور قابل توجهی بر معیشت کارگران و بازنشستگان تاثیر گذاشته است.

| حقوق معوقه، مستمری اندک بازنشستگان و بیمه ناکارآمد، در کنار عصبانیت از شرایط سخت کاری و در نظر گرفته نشدن امتیازات شغلی قانونی همچون اجرا نشدن طبقه‌بندی مشاغل از دیگر دلایل اعتراضات بود.

| یکی دیگر از موارد مهم اعتراضات که احتمالاً در سال آینده نیز صنایع کشور را با بحران روبرو خواهد کرد، بحران انرژی ایران است که چالش‌های اقتصادی فراروری نیروی کار را تشدید کرده است.



فعالان کارگری همچنان با خطرات زیادی از جمله از دست دادن شغل و دستگیری احتمالی مواجه بودند، به ویژه آنهایی که به عنوان رهبران یا مغزهای متفکر پشت اعتراضات هستند. از جمله این موارد نیز می‌توان به تداوم برخورد با فعالان صنفی معلمان، برخورد با کارگران معترض پارس جنوبی، کارگران معترض واگن پارس در اراک و فعالان جامعه پرستاری اشاره کرد.

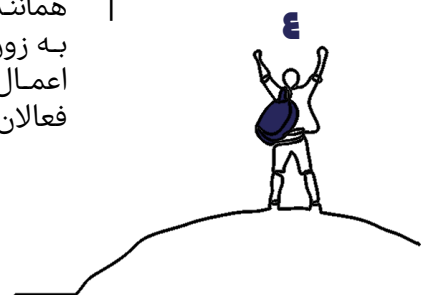
برخی از تشکلهای صنفی مستقل همچون شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، اولین مجمع عمومی خود را پس از مدت‌ها برگزار کردند. هم بازنشستگان و هم پرستاران توانستند دولت را وادار کنند که به برخی خواسته‌هایشان تن دهد.

یک حادثه بزرگ در یک معدن زغال سنگ در طبس که منجر به کشته شدن حداقل ۵۱ معدنکار و مجروح شدن ۲۰ نفر دیگر شد، شرایط وخیم کار را برای کارگران آشکار کرد و خشم ملی را برانگیخت و دولت را مجبور به پاسخگویی کرد.

در شرایطی که فعالیت تشکلهای مستقل ممنوع است، بسیاری از اعتراضات کارگری به طور خودجوش ادامه دارد. در عین حال تشکلهای شبه‌دولتی به ویژه در بخش‌هایی که نفوذ قابل توجهی بر دولت دارند، مانند صنایع نفت و گاز ضمن پیگیری مطالبات کارگران، کنترل فضای مطالبه‌گری را به دست گرفته‌اند.

بررسی عوامل محیطی و زمینه‌ای که به این اعتراض‌ها دامن می‌زند بسیار مهم است. اگرچه کارگران از بخش‌های مختلف به اعتراض دست می‌زنند، هم‌پوشانی برخی نارضایتی‌های مشترک نیز آن‌ها را به شرکت در اعتصابات و سایر اشکال فعالیت مطالبه‌گرانه کارگری سوق می‌دهد.

همانند دولت قبلی، دولت جدید در تلاش برای کنترل فعالیت‌های کارگری به زور متوسل شد. با این حال، به نظر می‌رسد که تمایل بیشتری به اعمال اقدامات سخت مانند دستگیری و تشکیل پرونده‌های قضایی علیه فعالان کارگری ندارد.





مروری بر مهم‌ترین چالش‌های فراروی کارگران ایران

-۱-

تورم فزاینده و کاهش روزافزون قدرت خرید

به دلیل ترکیبی از تحریم‌ها و سوء مدیریت دولتی، ایران در سال‌های اخیر تورم شدیدی را تجربه کرده است و ریال ایران پیوسته و پیاپی در برابر دلار سقوط عمیقی را تجربه می‌کند. منابع رسمی حاکی از آن است که تورم در نیمه دوم سال ۱۴۰۳ به ۳۲ درصد رسیده است.

از آنجایی که با وجود اعتراضات (آنلاین) فراوان در نیمه اول سال ۲۰۲۴، حداقل دستمزد نتوانسته پا به پای افزایش تورم رشد کند قدرت خرید مردم عادی ایران به میزان قابل توجهی کاهش یافته است. در نتیجه، اکنون بیش از یک سوم مردم در کشوری با منابع طبیعی فراوان زیر خط فقر زندگی می‌کنند. داشتن بیش از یک شغل برای زنده ماندن در چنین شرایطی، به طور فزاینده‌ای متداول شده است. بنابراین افزایش دستمزدها و حقوق بازنشستگان مطابق با تورم، خواسته بسیاری از معترضان بدون توجه به بخشی است که در آن کار می‌کنند.

-۲-

تأخیر در پرداخت دستمزد

گذراندن زندگی بدون دریافت چندین ماه دستمزد در ایران تبدیل به امری رایج در برخی صنایع و خدمات شده است. در نتیجه تسویه سریع حقوق معوق یا اجرای برخی قوانین و مصوبات بیمه‌ای و رفاهی، به یک مطالبه اساسی در میان کارگران و بازنشستگان معترض تبدیل شده است. این وضعیت هم بر کارکنان شرکت‌های خصوصی و هم بر کارکنان خدمات دولتی از جمله پرستاران و معلمان تأثیر گذاشته و در برخی موارد، این معوقات دستمزد به طور نامحدود حل نشده باقی مانده است.

-۳-

بی‌ثباتی شغلی

در سال‌های ابتدایی دهه ۷۰ خورشیدی، دیوان عدالت اداری ایران حکم داد که کارفرمایان می‌توانند از قراردادهای موقت برای مشاغل که «ماهیت مستمر» تلقی می‌شوند، استفاده کنند. در حال حاضر حدود ۹۰ درصد از نیروی کار ایران تحت چنین قراردادهای موقتی مشغول به کارند. با نرخ بیکاری تخمینی ۱۰.۸٪، این وضعیت باعث ایجاد ناامنی شغلی قابل توجهی می‌شود و حمایت از رفتار منصفانه کنشگران مطالبه‌گر را برای کارگران چالش برانگیز می‌کند، زیرا می‌توان آن‌ها را به سادگی اخراج کرد.

کارگران مشاغل غیر اداری به ویژه در وضعیت قراردادهای موقت آسیب‌پذیرند. این موقعیت‌های موقت اغلب با کاهش حقوق کار در مقایسه با قراردادهای دائمی همراه است و کارگران موقت را به تقاضای شرایط کاری عادلانه‌تر و امکان تضمین شغل دائمی سوق می‌دهد.



-۴-

اقتصاد رانتي

اعتصابات و اعتراضات در ايران، گاه سوءمدیریت شرکت‌ها را هدف قرار می‌دهد؛ به نحوی که کارگران خواستار مداخله مستقیم نهادهای حکومتی برای اصلاح وضعیت می‌شوند. پس از خصوصی‌سازی نسبی بسیاری از شرکت‌های دولتی سابق، شمار بالایی از مدیران عامل منصوب و مدیران ارشد، مناصب خود را مدیون ارتباط با حکومت ایران هستند تا شایستگی‌هایشان. این سوء مدیریت می‌تواند به شدت بر عملکرد شرکت تأثیر بگذارد و منجر به از دست دادن شغل و اخلال در روند پرداخت دستمزد کارگران شود.

-۵-

محدودیت آزادی تشکل

در جریان اعتراضات کارگری، اغلب بر حق ایجاد تشکل‌های کارگری به صورت آزادانه تأکید می‌شود با این حال این حق کماکان برای کارگران ایرانی به رسمیت شناخته نمی‌شود. اگرچه تشکیل نهادهای مستقل کارگری به صراحت ممنوع نیست، اما این تشکل‌ها برای فعالیت قانونی باید مجوز دریافت کنند. اتحادیه‌های مستقل معمولاً با رد درخواست فعالیت مواجه می‌شوند و در نتیجه فعالیت‌های خود را به صورت غیرقانونی و غیررسمی دنبال می‌کنند. در مقابل، شوراهای اسلامی کار و انجمن‌های صنفی، که اتحادیه‌های شبه‌دولتی هستند، تحت کنترل قابل توجه دولت فعالیت می‌کنند و در صورت همسو بودن نمایندگان آن‌ها با سیاست‌های دولت، از حمایت دولتی برخوردار می‌شوند.

-۶-

بازداشت فعالان کارگری

فعالان کارگری و صنفی در ایران همچنان با خطر دستگیری و زندان روبرو هستند و تقاضا برای آزادی آن‌ها گاهی در تجمعات و در قالب شعارهایی که از سوی معترضان سر داده می‌شود، مطرح شده است. بررسی‌های داوطلب نشان می‌دهد که با وجود آزادی برخی از فعالان سرشناس صنفی همچون محمد حبیبی و رسول بدایقی از زندان، در حال حاضر دست کم هشت معلم و فعال کارگری به نام‌های حمیدرضا سلگی، ابوالفضل خوران، امان جلال‌نژاد، محمدحسن پوره، ناهید شیربیشه و معصومه عسگری، ریحانه انصاری‌نژاد و داوود رضوی در زندان هستند و در هفته‌های پایانی سال ۱۴۰۳، پنج تن از معلمان ایران به نام‌های پیروز نامی، علی کروشانی، سیامک صادقی چهرازی، کوکب بدایقی و مسعود فرهیخته از سوی دادگاه انقلاب به ۶ سال حبس و در مجموع ۳۰ سال زندان محکوم شده‌اند.



-۷

تشدید احساسات ضدحکومتی

شعارهای سرداده شده در اعتراضات کارگری اغلب احساسات شدید ضد دولتی را منتقل می‌کنند و تظاهرکنندگان شعارهایی مانند «دولت/وزیر بی‌لیاقت استعفا، استعفا» سر می‌دهند. رسوایی‌های مربوط به فسادهای اقتصادی سالیان اخیر برخی بنگاه‌های اقتصادی همچون رسوایی چای دپش! که شامل مبالغ قابل توجهی پول و سوء استفاده از سرمایه‌های خانوارهای کارگری است، درخواست‌ها برای اصلاحات مهم دولتی را تشدید کرده است.

در همین حال، هزینه‌های دولت با اولویت پیشبرد اهداف سیاست خارجی در جریان بحران اقتصادی، انتقاد فزاینده‌ای را از سوی مردم ایران برانگیخته است. این نارضایتی در پست‌های منتشر شده در رسانه‌های اجتماعی مشهود است.

-۸

شرایط کاری خطرناک

حوادث محل کار در ایران بسیار شایع است. بر اساس داده‌های مرکز آمار، تعداد مرگ و میر ناشی از حوادث کار در ایران در سال‌های اخیر به طرز نگران‌کننده‌ای افزایش یافته است. از سال ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۲، این آمار از ۱۶۲۵ نفر به ۲۱۱۵ نفر رسیده که نشان‌دهنده افزایش ۳۰ درصدی است. این در حالی‌ست که بر اساس گزارش‌ها، در شش ماه نخست سال ۱۴۰۳، شمار ۱۰۷۷ کارگر جان خود را در حوادث کاری از دست داده‌اند. کارگران ساختمانی و کارگران شاغل در معادن بیشترین تعداد قربانیان حوادث کار را تشکیل می‌دهند. در همین راستا یکی از بزرگ‌ترین حوادث معدنی سالیان اخیر نیز در آخرین روز تابستان ۱۴۰۳ به وقوع پیوست و حداقل ۵۱ معدنچی جان خود را در انفجار گاز در معدن زغال سنگ طبس در استان خراسان جنوبی از دست دادند. فیلم‌ها و تصاویر منتشر شده از این حادثه دلخراش نشان می‌داد که برخی از معدنچیان حتی از دسترسی به حداقل‌های ایمنی و بهداشت کار محروم بودند. بعدتر، تحقیقات مجلس ایران در بررسی حادثه نشان داد که بسیاری از پروتکل‌های ایمنی در این معدن وابسته به بخش خصوصی رعایت نشده بود.

-۹

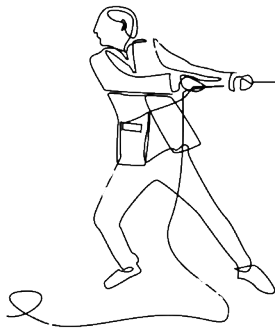
بحران انرژی

در حالی که کاهش ذخیره انرژی پیش از این مدتی در ایران چالش‌هایی را ایجاد کرده بود، این کشور در نیمه دوم سال ۱۴۰۳ به دلیل کمبود گاز با بحران انرژی بی‌سابقه‌ای مواجه شد، به گونه‌ای که مدیریت مصرف انرژی بر اساس قطع دوره‌ای و حتی قطع هر روزه برق در دستور کار دولت قرار گرفت.

این بحران نه تنها به مشکلات قابل توجهی در سطح خانوار دامن زد، بلکه مجتمع‌های صنعتی و مشاغل را مجبور کرد چندین روز در هفته، کار خود را تعطیل کنند. این امر منجر به افزایش ناامنی شغلی شد، زیرا بسیاری از کارفرمایان در تلاش برای کاهش هزینه‌ها و ادامه فعالیت در سایه افزایش خطر ورشکستگی، مجبور به اخراج کارکنان شدند.

V





تحلیل چالش‌ها و فرصت‌های موجود

تحلیل داوطلب از وضعیت نیروی کار در سال ۱۴۰۳ نشان می‌دهد که مسائل معیشتی و بیگیری بهبود شرایط زندگی از نگرانی‌های اولیه کارگران ایرانی به شمار می‌روند.

این چالش‌ها محیطی را ایجاد کرده‌اند که به افزایش شمار و حجم اعتراضات کارگری دامن زده است. کاهش ارزش پول ایران و تورم متعاقب آن زندگی مردم را فلج کرده است. میلیون‌ها کارگر ایرانی که حداقل دستمزدشان زیر خط فقر است، امید چندانی برای بهتر شدن وضع موجود ندارند. در عین حال، قوانین و مقررات تصویب شده از سوی دولت و مجلس به دلیل عدم نظارت، ضمانت اجرایی ندارند. به عنوان مثال می‌توان به طرح ساماندهی کارکنان دولت، همسان‌سازی حقوق بازنشستگان، طرح‌های طبقه‌بندی مشاغل، رتبه‌بندی معلمان و تعرفه‌های خدمات پرستاری و افزایش ایمنی کار در مشاغل سختی همچون معادن اشاره کرد که به سرانجام مطلوب نرسیده است.

علاوه بر این‌ها، ناکافی بودن پوشش مراقبت‌های بهداشتی به طور قابل توجهی هزینه‌های مراقبت‌های بهداشتی را به ویژه برای بازنشستگان افزایش داده است و آن را به یکی از دلایل اصلی اعتراضات این گروه تبدیل کرده است. تخصیص ناکافی بودجه برای ایفای تعهدات مالی در صنایع، دستگاه‌های اجرایی و صندوق‌های بازنشستگی منجر به تأخیر چند روزه یا حتی ماه‌های در پرداخت حقوق و مستمری به برخی از این گروه‌ها شده است.

ایرانیان عادی نه تنها برای تامین نیازهای اولیه خود با مشکل مواجه شدند، بلکه به دلیل بحران حاد انرژی در ایران که منجر به تعطیلی طولانی مدت در بسیاری از بخش‌های صنعتی و تولیدی شد، در صورت تداوم وضع موجود احتمالاً در سال آینده با شرایط دشوارتری مواجه خواهند شد.

به طور کلی، آینده برای نیروی کار ایران با توجه به کمبود مکانیسم‌های راهبردی و حمایتی داخلی و بین‌المللی، تاریک به نظر می‌رسد مگر این که دولت پزشک‌پسندان با ترمیم دستمزد مطابق تورم و هم‌پوشانی آن با سبب معیشت اصلاحات اساسی را آغاز کند. گسست مداوم بین حداقل دستمزد و تورم بالا، رشد اقتصادی را خفه می‌کند و کاهش تورم را به طور فزاینده‌ای به تعویق می‌اندازد. علاوه بر این، بحران حل نشده ناترازی انرژی، نتیجه سال‌ها سوءمدیریت و سرمایه‌گذاری کم، همچنان ثبات اقتصادی ایران را تضعیف می‌کند. با وجود این چالش‌ها، فرصت‌هایی نیز وجود دارد:



۱.

موفقیت اقدام جمعی:

اعتراضات موفق پرستاران ایران نشان داد که اهرم جمعی می‌تواند ابزار قدرتمندی برای دستیابی به تغییر باشد. به طور مشابه، اعتراضات بازنشستگان نشان داد که تعداد آن‌ها می‌تواند به طور قابل توجهی بر نتایج تأثیر بگذارد.

۲.

ظهور مجامع صنفی آنلاین:

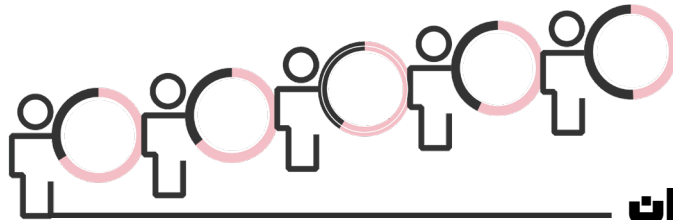
با وجود سال‌ها سرکوب شدید، برخی از گروه‌های کارگری و صنفی ایران شروع به برگزاری مجامع صنفی آنلاین کرده‌اند. از جمله شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان که بعد از ۵ سال مجمع عمومی آنلاین برگزار کرد. این تحول در صورت همراهی بدنه، می‌تواند به اعتراضات سازمان‌دهی شده و تأثیرگذارتر منجر شود. عدم مشارکت تشکل‌های کارگری در بسیاری از اعتراضات اغلب منجر به اقدامات ناهماهنگ شده و شانس موفقیت معترضان را کاهش داده است. با برگزاری مجامع، حتی به صورت مجازی، تشکل‌های کارگری می‌توانند دوباره با بدنه کارگری خود ارتباط برقرار کنند.

۳.

ضرورت حمایت عمومی:

اعتراض عمومی پس از حادثه معدن زغال سنگ طبس، دولت ایران را مجبور کرد که رسماً به افزایش دستمزد و بهبود شرایط کارگران معدن متعهد شود. در همین راستا نیز فرآیندی با هدف متوقف کردن فعالیت برخی معادن نایمن انجام شد. گرچه به دلیل فقدان تشکل‌های قوی کارگری و عدم نظارت آن‌ها بر عملکرد دولت در خصوص کنترل ایمنی معادن ممکن است رویه پذیرش خواست مردم امری موقتی باشد، اما موضع‌گیری دولت در برابر فشار افکار عمومی نشان می‌دهد که حتی یک رژیم به شدت اقتدارگرا مانند رژیم ایران برای حفظ اقتدار خود به حمایت عمومی نیاز دارد.





جمع‌بندی و توصیه‌هایی برای تقویت صدای کارگران

شامگاه شنبه ۲۵ اسفند ۱۴۰۳، در جلسه شورای عالی کار و با توافق نمایندگان سه گروه طرف مذاکره، افزایش ۴۵ درصدی حداقل دستمزد کارگران و افزایش ۳۲ درصدی حقوق کارگران سایر سطوح تصویب شد.

بر اساس این مصوبه، حداقل دستمزد ماهانه از ۷۱ میلیون و ۶۶۱ هزار ریال به ۱۰۳ میلیون و ۹۰۹ هزار ریال افزایش یافت. در عین حال با افزایش مبلغ حق اولاد، دریافتی ماهانه کارگران متأهل با دو فرزند به ۱۶۳ میلیون و ۵۱۱ هزار ریال رسیده است.

احمد میدری، وزیر کار دولت پزشکیان اعلام کرده که این رقم، حداقل افزایشی است که با توجه به وضعیت امروز کارگران می‌توانست اعمال شود.

رقمی که بر اساس تورم اعلامی بانک مرکزی در ماه‌های پایانی سال بسته شده و البته هیچ نسبتی با تورم واقعی و سبد معیشت ۲۳ تا ۲۹ میلیونی اعلام شده برای خانوارهای کارگری ندارد و کارگر ایرانی سال آینده نیز همچنان با دریافت کمتر از ۲۰۰ دلار در ماه کمترین دستمزد را در بین کارگران کشورهای منطقه دریافت خواهند کرد. ارزش دلاری حقوق کارگران به این ترتیب ظرف یک سال حول و حوش ۱۰ درصد تقلیل پیدا کرده است. حقوق کارگر مجرد و بی‌سابقه در سال ۱۴۰۳ تقریباً ۹ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان بود. شب عید سال گذشته هر دلار آمریکا در بازار آزاد در کانال ۶۰ هزار تومان معامله می‌شد. حقوق کارگران در آن برهه دقیقاً با ۱۵۶.۶ دلار مساوی بود. به‌زبان ساده ارزش دلاری حقوق کارگران درحداصل شب عید ۱۴۰۳ تا شب عید ۱۴۰۴ نزدیک به ۱۰ درصد کوچک شده است.

دستمزد ۱۴۰۴ کارگران به‌شکلی تعیین شده که با خرید خانه ۱۰۰ متری با حداقل دستمزد، ۶۴ سال زمان احتیاج دارد. گزارشی که خبرگزای فارس از تازه‌ترین داده‌های بازار مسکن تهران ارائه کرده نشان می‌دهد نرخ هر متر مربع آپارتمان مسکونی در پایتخت از مرز ۱۰۰ میلیون عبور کرده و متوسط قیمت مسکن در تهران به متری ۱۰۳ میلیون تومان رسیده است. حقوق ۱۴۰۴ کارگران به‌شکلی است که یک کارگر اگر تمام درآمد ماهانه را ذخیره کند و تورم مسکن ثابت بماند، بعد ۷۶۸ ماه یا به عبارتی ۶۴ سال موفق به خرید خانه ۱۰۰ متری می‌شود.

با افزایش شکاف میان حداقل دستمزد و هزینه‌های معیشت خانوارها، به نظر می‌رسد سال آینده نیز سال پرچالشی برای خانوارهای کارگری است. شرایطی که احتمالاً موج اعتراضات را گسترده خواهد کرد و بر دامنه مشارکت معترضان در تجمعات و اعتصابات خواهد افزود. برای به حداکثر رساندن احتمال شنیده شدن صدای کارگران ایرانی، چندین توصیه می‌توان ارائه کرد:



۱.

۱. ایجاد پایگاه‌های پشتیبانی:

بسیاری از اعتراضات بدون دخالت تشکل‌های کارگری در جریان است که می‌تواند شانس موفقیت آن‌ها را کاهش دهد. برای تقویت کنش جمعی، برای تشکل‌های کارگری مستقل بسیار مهم است که پایگاه‌های حمایتی گسترده‌ای را از طریق کمپین‌های آنلاین، جلب اعتماد بدنه و روش‌های مختلف اطلاع‌رسانی ایجاد کنند.

۲. همکاری:

کنشگران صنفی می‌توانند با سازمان‌های همفکر برای ایجاد یک جبهه متحد شریک شوند. این همکاری می‌تواند با تقویت قدرت جمعی، سرکوب مخالفان را برای مقامات دشوارتر کند.

۳. ساخت روایت‌های قدرتمند:

علاوه بر سازمان‌دهی مجامع عمومی (آنلاین)، فعالان صنفی و کارگری باید برای رویارویی فعالانه با روایات سمی و فیک منتشر شده از سوی نیروهای امنیتی بر روایت‌های مستقل خود از اوضاع تکیه کنند و از تمرکز بیش از حد بر مفاهیم انتزاعی بپرهیزند. برای ساخت روایت‌ها و شعارهای قانع‌کننده و جلب‌کننده حمایت، می‌توان ابتدا روی یک موضوع کلیدی تمرکز کرد. این استراتژی می‌تواند به ایجاد اتحاد و همبستگی بین کارگران کمک کند.

۴. بررسی راهبردهای جایگزین:

یک گروه از کارگران معترض می‌توانند روش‌هایی فراتر از اعتراضات کلاسیک را مد نظر قرار دهند، که اغلب دستاوردهای بالا و خطرات شخصی کمتری برای کارگران به همراه دارد. به عنوان مثال، لابی منطقه‌ای از طریق نامه‌نگاری به شخصیت‌های سیاسی و روحانیون با نفوذ می‌تواند راه موثری برای دفاع از حقوق کارگران و در نتیجه قدرت‌یابی آنان باشد.

۵. ارتقاء سلامت روان و رفاه:

شناخت جنبه‌های آسیب‌رسان سرکوب و فشارهای روانی در کنشگری یک رکن اساسی مطالبه‌گری پایدار است. مطالبه‌گران مدنی و صنفی با ایجاد سیستم‌های حمایتی مانند گروه‌های مشاوره یا حمایتی به اعضا برای حفظ سلامت روانی و مقابله با اضطراب کمک می‌کنند.

۶. افزایش ارتباطات بین‌المللی:

کنشگران با رویکرد مطالبه‌گری پایدار و حفظ دستاوردها با سازمان‌های بین‌المللی کارگری و گروه‌های حقوق بشری تماس می‌گیرند و آگاهی عمومی آن‌ها را در مورد وضعیت کارگران ایرانی را افزایش می‌دهند. ایجاد روابط با این نهادها می‌تواند به افزایش فشار بر دولت ایران بینجامد و این سازمان‌ها را به حمایت از آزادی تشکیلاتی در ایران ترغیب کند.



آنچه بر کارگران ایران
در سال ۱۴۰۳ گذشت

داوطلب

